

# بهرام بیضایی و تئاتر ملی

علی دهباشی

نام بهرام بیضایی که کارنامه هنری اش به نیم قرن می‌رسد بیش از هر نمایشنامه نویسی دیگری با تئاتر ملی ایران گره خورده است. رویکرد بیضایی به تئاتر ملی رویکردی نه صرفاً از سر احساس و عشق به سرزمینش بلکه پاسخ به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده است. بیضایی بیش از هر نمایشنامه‌نویسی دغدغه نمایش ایرانی داشته و در پی آن بوده تا آنچه اجرا می‌شود به دل مردم راه یابد اما هرگز نخواست و بر سر آن نبوده تا برای دست‌یابی به چنین هدفی جدی برای فهم مردم تعریف و معلوم کند. او از آن دسته هنرمندانی است که هرگز فرهنگ متوسط را تاب نیاورده و همین بیانگر جرئت او به مخاطب خود است.

در واقع با نگاهی به نمایشنامه‌های بیضایی، خواه آنها که بر صحنه تالارهای نمایش ایران به اجرا درآمدند و خواه آنها که بدون اجرا منتشر شدند، در می‌یابیم که بیضایی از همان آغاز راه دلمشغول تئاتر ملی به عنوان جوهر هویت فرهنگی بوده است. او همواره خواسته سنت تاریخی و فرهنگی ایران را به بارزترین شیوه حفظ و آن را با جوهر نمایش تلفیق کند. ارتباط تماشاگر با نمایش برای بیضایی اهمیت غایی دارد و از همین روست که زبان نقشی کلیدی در آثارش، به ویژه در عرصه نمایشنامه نویسی، ایفا می‌کند.

آنچه آثار بهرام بیضایی را نسبت به دیگر هم‌تاهای خود ویژگی می‌بخشد نگاه اوست به تئاتر ملی، هویت فرهنگی چند هزار ساله و سنت تاریخی ایران. این نگاه

به هیچ روی صرفاً از سر شیفتگی نیست بلکه با هوشمندی، فهم زبانی و درک موقعیت خاص اجتماعی در هنگام خلق نمایشنامه و اجرای آن همراه می شود. بیضایی در هیچ زمانی، حتی هنگامی که تاریخ ایران قدیم را روایت می کند، از عنصر خودمختاری نمی شود و شاید بتوان گفت که راز ماندگاری آثارش همین است: او با حفظ جوهر درام، تلفیق آن با زبان فارسی و نگاهی نافذ به زمانه خود راوی تاریخ می شود. او نمایشنامه نویسی ایرانی است، با نگاهی کاملاً شرقی که از « هر چه رنگ تعلق پذیرد » بیزار است. غایت بیضایی خود بودن است، پس از آن روست که می گوید: « من فقط فیلم نمی سازم؛ من هر کاری انجام می دهم تا بتوانم خودم را بیان کنم. اگر نتوانم فیلم بسازم، تئاتر کار می کنم. اگر امکان کار تئاتر نباشد، می نویسم، اگر نتوانم این کار را بکنم، کتاب می خوانم یا درس می دهم یا با خودم موسیقی زمزمه می کنم. به هر حال در هر زمانی کاری را انجام می دهم. منظور از تمام اینها شکل دادن به اندیشه هایم است و اگر بخت یاری کند انتقال اندیشه ام به شما و همین طور گرفتن اندیشه از شما.» او به هیچ روی نمی ترسد از این که قضاوتش کنند. او هنرمندی است که می کوشد بیشترین بهره و تأثیر را از زبان فارسی، تاریخ ایرانی و هویت فرهنگی خود بگیرد و همان را به مخاطبش انتقال دهد.

اما جدا از همه ویژگی های بیضایی به عنوان نمایشنامه نویس و فیلمساز، با مرور زندگی او و فراز و نشیب هایش، پایداری انسانی را شاهدیم که از شکست نمی هراسد، از تجربه خسته نمی شود، هنر را محدود به این نمی داند که فقط در میانه باشد و نامش بر سر زبان ها، آن هم به هر بهایی. آنچه او به نسل امروز می آموزد، کار است و تلاش، امید و عشق به ایران، زبان فارسی، هویت فرهنگی و حفظ سنت تاریخی. بیضایی در یک کلام راز ماندگاری انسان است:

و اما درباره این شماره، نخست باید از حمید امجد سپاسگزار باشم که از الف تا ی کار دشوار ویژه نامه را همچون یک سردبیر متعهد شد و به پایان رساند؛ و دیگر از نویسندگان و همکارانی که در مراحل گوناگون انتشار این شماره ما را مدد رساندند و سرانجام از علیرضا رئیس دانا، مدیر انتشارات نگاه، که نقشی مهم در انتشار این شماره داشت.

علی دهباشی - دی ماه ۱۳۸۶

